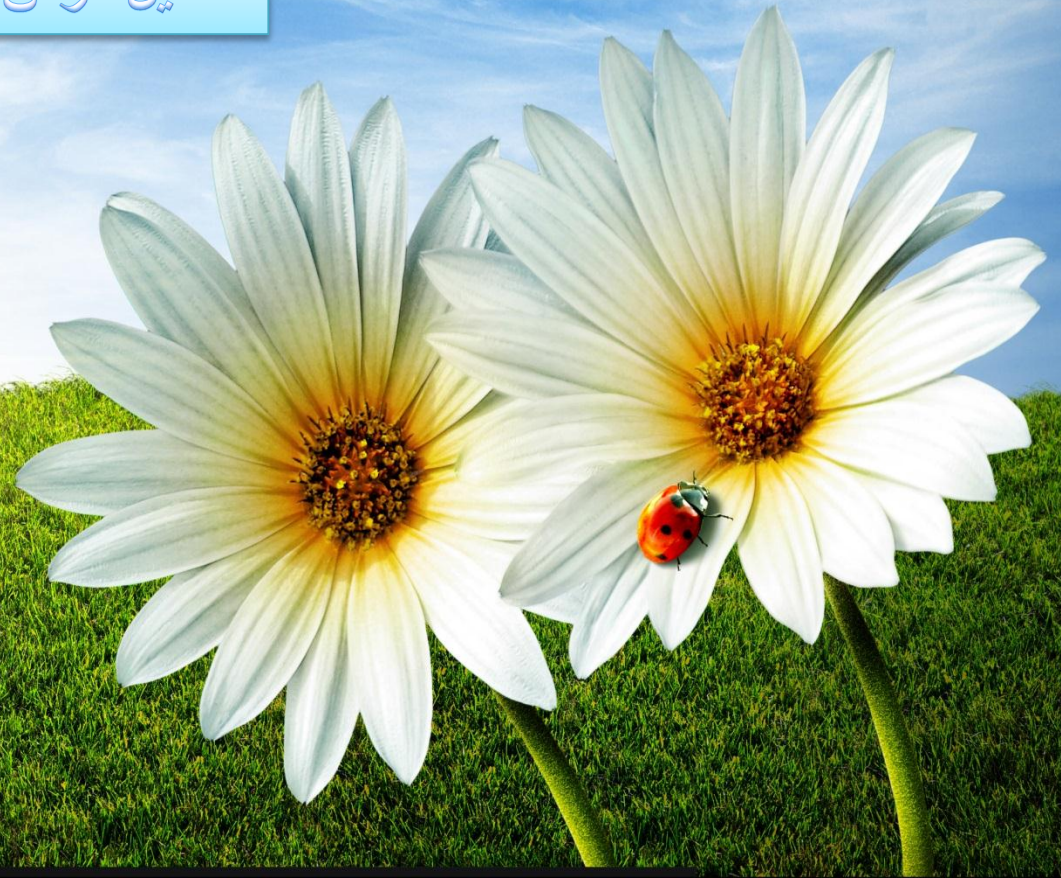


# آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان سنندج

تحلیل درس سوم، فصل دوم، فارسی پایه یازدهم

تدوین : رویا غفوری  
دبیر ادبیات فارسی







# ۲ ادبیات پایدار

درس سوم: در امواج نسند

کارگاه متن پژوهی

گنج حکمت: چو سرو باش





مهدی حمیدی شیرازی



مهدی حمیدی شیرازی

۱ به مغرب، سینه مالان قرص خورشید      نھان می گشت پشت کوهساران

**قلمرو زبانی** سینه مالان: سینه خیز / کوهساران: کوهستان ها، کوهها □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + مسند + فعل)

قرص خورشید: نهاد / به مغرب، سینه مالان، پشت کوهساران: قید / نھان: مسند / شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر قید ❖ قرص خورشید،

پشت کوهساران: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی** سینه مالان رفتن خورشید: استعاره (تشخیص) ❖ مغرب، خورشید، کوهساران: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** هنگام غروب، خورشید سینه خیز و آرام آرام خود را پشت کوهها پنهان می کرد.

(مفهوم: فضا سازی برای بیان انقراض دولت خوارزمشاهیان با توصیف غروب خورشید)



### فرومی ریخت گردی زعفران رنگ به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

**قلمرو زبانی** گرد: غبار، خاک / زعفران: گیاهی زرد رنگ □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ♦ فرومی ریخت: فعل پیشوندی /

نیزه‌داران: معطوف / شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر نهاد و متمم ♦ گردی زعفران رنگ: ترکیب وصفی / روی نیزه‌ها و نیزه‌داران: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی** گردی زعفران رنگ ← استعاره از پرتوهای زرد رنگ و کم نور آفتاب در غروب ♦ نیزه، نیزه‌دار: مراعات نظیر ♦ تکرار صامت «ر»: واج آرایی

**قلمرو فکری** نور زرد رنگ خورشید، مانند گردی زعفرانی بر روی نیزه‌ها و سربازان می‌تابد. (مفهوم: فضا سازی برای شروع جنگ و درگیری و مرگ)



# درس سوم

## درامواج سند

ز هر سو بر سواری غلت می خورد      تن سنگین اسبی تیر خورده

**قلمرو رباعی** غلت خوردن: غلتیدن □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ♦ تن: نهاد ♦ شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر نهاد ♦ هر سو:

ترکیب وصفی / تن سنگین اسبی تیر خورده: ترکیب وصفی و اضافی

**قلمرو ادبی** تکرار صامت «س»: واج آرایی

**قلمرو فکری** از هر طرف تن سنگین اسبی که تیر خورده و مجروح بود، بر روی سواری بر زمین افتاده، می غلتید. (مفهوم: توصیف شدت جنگ و کشتار)

# درس سوم

## درامواج سند

بہ زیر بارہ می نالید از درد سوار زخم دار نیم مرده

قلمرو ربانی بارہ : اسب / نیم مرده: نیمه جان (بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ❖ سوار: نهاد ❖ شیوہ بلاغی: تقدّم فعل بر

نهاد ❖ زیر بارہ: ترکیب اضافی / سوار زخم دار نیم مرده: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: تکرار صامت «ر»: واج آرایبی

قلمرو فکری [و] سوار زخمی نیمه جان در زیر اسب از درد ناله می کرد. (مفهوم: توصیف شدت جنگ و کشتار)



# درس سوم

## درامواج سند

۵ نخان می گشت روی روشن روز \*\*\*  
به زیر دامن شب در یاهی

فلمرو ربانی نهران: پنهان □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + مسند + فعل) ❖ روی: نهاد ❖ نهران: مسند ❖ روی روز، زیر دامن

شب: ترکیب اضافی ❖ روی روشن: ترکیب وصفی

فلمرو ادبی روی روز، دامن شب: اضافه استعاری (تشخیص) ❖ کل بیت «کنایه از» ❖ غروب آفتاب ❖ روز، شب: تضاد ❖ «روشن، روز» و «شب،

سیاهی»: مراعات نظیر ❖ تکرار صامت «ر»: واج آرایبی ❖ روی، روز: جناس ناهمسان

فلمرو فکری چهره روشن روز، در تاریکی شب پنهان می شد. (مفهوم: فرار رسیدن شب)

# درس سوم

## درامواج سند

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی

**فلمرو ربانی** فروغ: روشنایی، فروز، شعله و شرار آتش / خرگه: خرگاه، خیمه به ویژه خیمه بزرگ □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله:

نهاد + مسند + فعل) ❖ پنهان: مسند / فروغ: نهاد / آن تاریک شب: ترکیب وصفی / فروغ خرگه خوارزمشاهی: ترکیب اضافی و وصفی ❖ تاریک شب: ترکیب وصفی مقلوب (جابه جا)

**فلمرو ادبی** کل بیت «کنایه از» انقراض دولت خوارزمشاهیان ❖ فروغ «استعاره از» شکوه مندی و عظمت ❖ خرگه «مجاز از» دولت و حکومت

**فلمرو فکری** در آن شب تاریک، روشنی خیمه خوارزمشاهیان (شکوه دولت خوارزمشاهیان) پنهان می‌شد.

(مفهوم: از بین رفتن قدرت و شکوه حکومت خوارزمشاهیان)



# درس سوم

## درامواج سند

به خواب شفق در دامن شام به خون آلوده، ایران کهن دید

قلمرو ربانی خواب: خوابه / شفق: سرخی افق پس از غروب آفتاب / کهن: قدیمی، باستانی بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله:

نهاد + مفعول + مسند + فعل) آلوده: مسند / ایران: مفعول / خواب شفق، دامن شام: ترکیب اضافی / ایران کهن: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی خواب شفق: اضافه تشبیهی دامن شام: اضافه استعاری (تشخیص) خواب، خون: مراعات نظیر و اشتقاق تکرار صامت «ن»: واج آرایبی

قلمرو فکری جلال‌الدین در سرخی غروب خورشید، ایران را غرق در خون دید. (مفهوم: پیش‌بینی جنگ و نابودی)

# درس سوم

## درامواج سند

در آن دریای خون، در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید

**فلمرو ربانی** قرص: گردی □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + مفعول + فعل) ❖ غروب: مفعول ❖ دریای خون، قرص خورشید، غروب آفتاب خویشتن: ترکیب اضافی / آن دریا: ترکیب وصفی

**فلمرو ادبی** دریای خون = استعاره از غروب خورشید / آفتاب = استعاره از عمر و شکوه و عظمت ❖ قرص خورشید: اضافه تشبیهی ❖ غروب آفتاب خویشتن دیدن = کنایه از مرگ و نابودی ❖ تکرار صامت‌های «ر»، «د»: واج آرایبی ❖ «خورشید، غروب» و «خون، خورشید، غروب»: مراعات نظیر

**فلمرو فکری** در آن غروب خورشید که مثل دریای خون به نظر می‌رسید، مرگ و نابودی خود را مشاهده کرد. (مفهوم: ناامیدی از زنده ماندن، به مرگ

نزدیک شدن)



# درس سوم

## درامواج سند

چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مرگانش به خون دیده تر شد

فلمبرو زبانی: آن دم: آن لحظه / مرگان: موهای پلک چشم / دیده: چشم (بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + متمم + فعل / الگوی جمله دوم:

نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) چه: متمم / کس: نهاد / آن دم: ترکیب وصفی / مرگانش، خون دیده: ترکیب اضافی

فلمبرو زبانی: مرگان: چشم / تر شدن مرگان: گریه کردن / مرگان، دیده: مراعات نظیر / خون: استعاره / اشک

فلمبرو فکری: کسی نمی دانست جلال الدین در آن زمان به چه چیزی فکر کرد که جشمانش از اشک خیس شد. (مفهوم: اندیشیدن به ایران و غمگین شدن)

# درس سوم

## درامواج سند

۱۰ چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

**فلمرو زبانی** بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + متمم + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مسند + فعل) **سپاه**: متمم / **سوزنده تر**: مسند **سپاه دشمن**: ترکیب اضافی

**فلمرو ادبی** مانند کردن جلال الدین به آتش: تشبیه **مصراع دوم**: اغراق **تکرار صامت «ش»**: واج آرایی **مصراع اول**: کنایه (از) **حمله شدید**

**فلمرو فکری** جلال الدین مانند آتشی به سپاه دشمن هجوم آورد و در آن میدان جنگ، از آتش هم سوزنده تر عمل می کرد. (دشمنان را نابود کرد.)

(مفهوم: فداکاری جلال الدین برای نابودی دشمنان)

# درس سوم

## درامواج سند

در آن باران تیر و برق پولاد میان شام رستاخیز می‌گشت

**فلمرو زبانی** پولاد: فولاد، آهن ناب پاک / رستاخیز: قیامت، محشر □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ♦ آن باران، آن

برق: ترکیب وصفی و اضافی / باران تیر، برق پولاد، شام رستاخیز: ترکیب اضافی

**فلمرو ادبی** باران تیر: اضافه تشبیهی ♦ تیر، پولاد: مراعات نظیر ♦ تکرار صامت «ر»: واج آرایبی ♦ باران تیر: اغراق ♦ پولاد: مبالغه از ♦ شمشیر ♦ مصراع دوم

♦ فضای وحشتناک ♦ شام رستاخیز: استعاره از ♦ میدان وحشتناک نبرد

**فلمرو فکری** جلال‌الدین در میان بارش تیرها و درخشش شمشیرها در میدانی پر از شور و غوغا و وحشت قرار گرفته بود.

(مفهوم: ایثار و از خودگذشتگی جلال‌الدین در مقابله با دشمنان)



# درس سوم

## درامواج سند

در آن دریای خون، در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت

فلمروز زبانی بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) «آن دریا، دشت تاریک: ترکیب وصفی / دریای خون، دنبال سر چنگیز: ترکیب اضافی

فلمروز آدین دریای خون «استعاره از» میدان جنگ «تکرار صامت «ر»: واج آرایی «در، سر: جناس ناهمسان «سر (بریدن سر) «تلاش برای» گشتن

فلمروز فکری جلال‌الدین در میدان جنگ که همچون دریایی از خون شده بود، به دنبال گشتن چنگیز بود. (مفهوم: تلاش برای گشتن و شکست دادن چنگیز)

# درس سوم

## درامواج سند

بدان شمشیر تیز عافیت سوز در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد

فلمرو زبانی عافیت: سلامتی، تندرستی / عافیت سوز: از بین برنده سلامتی / انبوه: بسیاری، فراوانی جمعیت [بیت یک جمله دارد. (الگوی

جمله: نهاد + مفعول + فعل) \* کار: مفعول / می‌کرد (انجام می‌داد): فعل / آن شمشیر تیز عافیت سوز، آن انبوه: ترکیب وصفی / کار مرگ: ترکیب اضافی

فلمرو ادبی عافیت سوز: \* کتابه از \* کشنده / کار مرگ کردن \* کتابه از \* کشتن و گرفتن جان \* تکرار صامت «ر»: واج آرایی

فلمرو فکری جلال الدین با شمشیر برنده و کشنده اش در میان انبوه مغولان کار عزرائیل را انجام می‌داد. [آنها را می‌کشت. ] (مفهوم: کشتن مغولان)





# درس سوم

## درامواج سند

ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت      دو چندان می شکفت و برگ می کرد

**فلمرو زبانی** برگ کردن: شکفتن، برگ در آوردن □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + فعل) ♦ برگ: مفعول / دوچندان: قید

**فلمرو ادبی** برگ □ استه(ه)از □ سرباز مغول / شاخه □ استه(ه)از □ سپاه مغول ♦ برگ از شاخه ریختن □ کتابه(ه)از □ کشته شدن و کم شدن / شکفتن و

برگ کردن □ کتابه(ه)از □ زیاد شدن و اضافه شدن ♦ برگ ریختن، شکفتن: تضاد ♦ برگ، شاخه، شکفتن: مراعات نظیر

**فلمرو فکری** اما هر تعداد از سربازان مغول که کشته می شدند، تعداد بیشتری جای آنها را می گرفت؛ مانند درختی که برگ‌هایش می‌ریزد و دوباره جوانه

می‌زند. (مفهوم: اشاره به زیاد بودن مغولان)

۱. فعل «می‌ریخت» دو وجهی است یعنی هم می‌تواند «مفعول» بگیرد و هم بدون مفعول باشد.

# درس سوم

## درامواج سند

۱۵ میان موج میرقصد در آب به رقص مرگ، اخترهای انبوه

**فلمرو زبانی** اختر: ستاره، کوكب □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ♦ میان موج، رقص مرگ: ترکیب اضافی ♦ اخترهای انبوه:

ترکیب وصفی

**فلمرو ادبی** وجود رقص در مرگ: متناقض نما ♦ نسبت دادن رقص به اخترها: استعاره (تشخیص) ♦ تکرار صامت «ر»: واج آرایی

**فلمرو فکری** عکس ستارگان زیادی در میان امواج رود سند و به حالت رقص به حرکت در می آمدند و نابود می شدند.

(مفهوم: انعکاس تصویر ستارگان روی موج آب دریا)

# درس سوم

## در امواج سند

به رود سند می‌غلتید بر هم ز امواج گران، کوه از پی کوه

**فلمرو زبانی** می‌غلتید: می‌چرخید / گران: سنگین، عظیم □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) ♦ رود سند، پی کوه: ترکیب اضافی /

امواج گران: ترکیب وصفی ♦ شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر متمم و نهاد

**فلمرو ادبی** کوه: تکرار ♦ مانند کردن امواج به کوه: تشبیه / امواج را چون کوه دانستن: اغراق

**فلمرو فکری** موج‌های بزرگ رود سند مثل کوه بودند که در پی هم حرکت می‌کردند و پشت سر هم بالا و پایین می‌رفتند. (مفهوم: تصویر حرکت امواج)



# درس سوم

## درامواج سند

خروشان، ژرف، بی پھنا، کف آلود      دل شب می درید و پیش می رفت

**قلمرو زبانی** خروشان: پر خروش، در حال خروشیدن / ژرف: عمیق، گود / بی پھنا: پھناور □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد +

مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ❖ خروشان، ژرف، بی پھنا، کف آلود: قید / دل: مفعول ❖ دل شب: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی** دل شب: اضافه استعاری (تشخیص) ❖ نسبت دادن دریدن دل شب به وسیله رود سند: استعاره (تشخیص) ❖ خروشان، ژرف،

بی پھنا، کف آلود: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** رود سند، خروشان، عمیق، پھناور و پر از کف، دل تاریکی را می شکافت و حرکت می کرد. (مفهوم: توصیف حرکت رود سند)

# درس سوم

## درامواج سند

از این سد روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

فلمرو زبانی نیش: نیشتر، خنجر، تیغ | بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + فعل) | نیش: نهاد | این سد روان، هر موجی،

هزاران نیش: ترکیب وصفی / دیده شاه: ترکیب اضافی

فلمرو ادبی سد روان | استعاره | رود سند | مانند کردن موج به نیش: تشبیه | سد، موج: مراعات نظیر | سد روان: متناقض نما

فلمرو فکری هر موجی از رود سند مانند نیشی بود (رود سند مانع جلال الدین می‌شد) که در چشم جلال الدین فرو می‌رفت و او را آزار می‌داد.

(مفهوم: مانع شدن رود سند برای جلال الدین)

# درس سوم

## درامواج سند

ز رخسارش فرومی ریخت اشکی بنای زندگی بر آب می دید

**فلمرو زبانی** رخسار: چهره (بیت دو جمله دارد). (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + مسند + فعل) ❖ اشکی: نهاد /

بنا: مفعول ❖ شیوه بلاغی در مصراع اول: تقدّم فعل بر نهاد ❖ رخسارش، بنای زندگی: ترکیب اضافی

**فلمرو ادبی** تکرار صامت «ر»: واج آرایبی ❖ اشک ریختن ❖ گنایه ❖ غم و حسرت شدید / بنای زندگی بر آب دیدن ❖ گنایه ❖ ناپایداری و نابودی ❖

بنای زندگی: اضافه استعاری ❖ رخسار، اشکی: مراعات نظیر ❖ رخسار ❖ مبالغه ❖ چشم

**فلمرو فکری** از چشمان جلال الدین اشک جاری بود و زندگی اش را ناپایدار و نابود می دید. (مفهوم: ناپایداری زندگی و نزدیک شدن به مرگ)



# درس سوم

## درامواج سند

۲۰ در آن سیمابگون امواج لرزان خیال تازه‌ای در خواب می‌دید:

فلمرو زبانی سیماب: جیوه، سیمابگون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + مفعول + فعل) ♦ خیال:

مفعول ♦ آن سیمابگون امواج لرزان، خیال تازه‌ای: ترکیب وصفی

فلمرو ادبی مانند کردن امواج به سیماب: تشبیه ♦ خیال تازه‌ای در خواب دیدن = کتابه (فکر و نقشه جدید داشتن) ♦ خیال، خواب: مراعات نظیر

فلمرو فکری در میان امواج سفید و بی‌قرار رود سند، فکر تازه‌ای به ذهن جلال‌الدین رسید. (مفهوم: چاره‌اندیشی)

# درس سوم

## درامواج سند

به یاری خواهم از آن سوی دریا سوارانی زره پوش و کمان گیر

**فلمرو زبانی** دریا: در متن درس رود بزرگ مانند دریای نیل / زره: جامه‌ای آهنی برای جنگ □ بیت یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد +

مفعول + فعل) ◊ سوارانی: مفعول ◊ آن سو، سوارانی زره پوش و کمان گیر: ترکیب وصفی

**فلمرو ادبی** تکرار مصوت «ا»: واج آرایبی ◊ زره پوش و کمان گیر: تکرار «ا» آماده به جنگ

**فلمرو فکری** از آن سوی رود سوارانی آماده رزم و جنگاور به یاری خواهم خواست. (مفهوم: یاری خواستن در جنگ)

# درس سوم

## درامواج سند

دمار از جان این غولان کشم سخت بوزم خانمان هاشان به شمشیر

**قلمرو زبانی:** دمار: پی، عصب، رگ | بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مفعول + فعل) \* دمار، خانمان: مفعول («بسوزم») در

معنای «بسوزانم» به مفعول نیاز دارد. \* این غولان: ترکیب وصفی / خانمان هاشان: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی:** دمار از کسی کشیدن (دمار از کسی برآوردن) = کنایه از «نابود کردن کسی» / سوزاندن با شمشیر = کنایه از «نابودی» \* غولان = استعاره از «مغولان»

**قلمرو فکری:** این دشمنان غول صفت را سخت، خواهم کشت و هستی شان را با شمشیر نابود خواهم کرد. (مفهوم: فکر انتقام سخت از دشمن)



# درس سوم

## درامواج سند

شبی آمد که می باید فدا کرد به راه مملکت، فرزند و زن را

**قلمرو زبانی** می باید: باید (بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + مفعول + فعل) ❖ شبی: نهاد /

آمد، می باید فدا کرد: فعل / فرزند: مفعول / زن: معطوف ❖ شیوه بلاغی: تقدم فعل بر متمم و مفعول ❖ راه مملکت: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی** فرزند، زن: مراعات نظیر ❖ راه، را: جناس ناهمسان

**قلمرو فکری** شبی فرار سیده است که باید در راه دفاع از کشور، زن و فرزند خود را فدا کرد. (مفهوم: فدا کردن خانواده برای دفاع از وطن)

# درس سوم

## درامواج سند

به پیش دشمنان ایستاد و جنگید رهاند از بند اهریمن، وطن را

**قلمرو زبانی** استاد: ایستاد / اهریمن: شیطان □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + متمم + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مفعول + متمم + فعل) ❖ [باید] استاد، [باید] جنگید، [باید] رهاند: فعل ❖ شیوه بلاغی در مصراع دوم: تقدم فعل بر متمم و مفعول ❖ پیش دشمنان، بند اهریمن: ترکیب اضافی

**قلمرو ادبی** بند «مجاز از» اسارت ❖ اهریمن «استعاره از» دشمن ❖ «جنگید، وطن» و «اهریمن، دشمن»: مراعات نظیر ❖ تکرار صامت «ن»: واج آرایی

**قلمرو فکری** در برابر دشمنان باید ایستاد و جنگید و وطن را از اسارت دشمن (مغولان) نجات داد. (مفهوم: ایستادگی و مبارزه در برابر دشمنان)

۲۵ شبی را تا شبی با لشکری خرد / ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند

فلمرو زبانی: شبی را تا شبی: یک شبانه‌روز / خرد: اندک / خود: کلاه فلزی □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مفعول +

فعل) ❖ شبی را تا شبی: قید / سر، خود: مفعول ❖ حذف فعل به قرینه لفظی: ز تن‌ها سر [افکند] ❖ لشکری خرد: ترکیب وصفی

فلمرو ادبی: «سر، خود» و «تن، سر»: مراعات نظیر ❖ تکرار مصوت «ا»: واج آرایبی ❖ مصراع دوم: «کلاه» ❖ کشتن

فلمرو فکری: جلال‌الدین یک شبانه‌روز با سپاه اندکش با مغولان جنگید و تعداد زیادی از آنها را کشت. (مفهوم: کشتار زیاد دشمنان)



# درس سوم

## درامواج سند

چو لشکر گرد بر گردش گرفتند      چو کشتی، بادپا در رود افکند!

**قلمرو ربانی** گرد بر گرد: اطراف، دورتادور / بادپا: اسب تندرو □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله‌ها: نهاد + مفعول + فعل) ❖ گرد بر

گرد، بادپا: مفعول ❖ گرد بر گردش: ترکیب اضافی ❖ مرجع ضمیر «ش»: جلال‌الدین

**قلمرو ادبی** مانند کردن بادپا به کشتی: تشبیه / مانند کردن پا به باد: تشبیه ❖ بادپا «مبازاز» اسب / پا «مبازاز» سرعت ❖ کشتی، رود:

مراعات نظیر ❖ چو: وقتی که؛ چو: مانند؛ جناس همسان

**قلمرو فکری** وقتی که سپاه دشمن او را محاصره کرد، اسب خود را مانند کشتی به داخل رودخانه انداخت.

(مفهوم: تلاش و جانبازی برای اسیر نشدن به دست دشمن)

# درس سوم

## درامواج سند

چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار / از آن دریای بی پایاب، آسان

**فلمروربانی** پایاب: پای آب، کم عمق، گذرگاه آب / دریا: در متن درس رود بزرگ مانند دریای نیل / بی پایاب: جایی از آب که عمیق

است و پا به ته آن نمرسد. **بیت** یک جمله دارد. (الگوی جمله: نهاد + متمم + فعل) **پس، دریا: متمم / آسان: قید** **جنگ**

**دشوار، آن دریای بی پایاب: ترکیب وصفی** **شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر متمم**

**فلمرو ادبی** دریا **استغناء** از رود **دریا، پایاب: مراعات نظیر** **دشوار، آسان: تضاد** **تکرار مصوّت «ا»:** واج آرایبی

**فلمرو فکری** وقتی جلال الدین از پس این جنگ دشوار برآمد و به راحتی از آن دریای عمیق گذشت ...

# درس سوم

## درامواج سند

به فرزندان و یاران گفت چنگیز که اگر فرزند باید، باید این سان!

فلمرو ربانی گر: اگر / این سان: این گونه □ بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + متمم + فعل / (الگوی جمله دوم:

نهاد + فعل / الگوی جمله سوم: نهاد + مسند + فعل) ❖ چنگیز، فرزند: نهاد / گفت، باید، باید: فعل / این سان: مسند ❖ این سان: ترکیب

وصفی ❖ شیوه بلاغی: تقدّم فعل بر نهاد در مصراع اوّل / تقدّم فعل بر مسند در مصراع دوم

فلمرو ادبی فرزندان، یاران: مراعات نظیر ❖ تکرار صامت «ن»: واج آرایبی

فلمرو فکری چنگیز به فرزندان و یاران خود گفت: «اگر انسان لازم است فرزندی داشته باشد، باید فرزندش مثل جلال الدین شجاع باشد.»

(مفهوم: تعریف و تمجید از جلال الدین)



# درس سوم

## درامواج سند

بر پاس هر و جب خاکی از این ملک چه بسیار است، آن سرها که رفته!

فلمرو ریائی پاس: پاسداری، حراست، نگهبانی و نگهداری / مُلک: سرزمین، پادشاهی □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد +

مسند + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل) ♦ هر و جب خاکی، این ملک، آن سرها: ترکیب وصفی / پاس خاکی: ترکیب اضافی

فلمرو ادبی رفتن سرها □ کشته شدن ♦ خاک، ملک: مراعات نظیر ♦ خاک □ مجازاً □ کشور و سرزمین

فلمرو فکری برای پاسداری هر و جب از خاک این سرزمین، چه بسیار انسان‌هایی که جان خود را از دست داده‌اند.

(مفهوم: جانفشانی در راه پاسداری از وطن)

# درس سوم

## درامواج سند

۳۰ ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفتند!

مهدی حمیدی شیرازی

فلمرو ربانی افسر: تاج و کلاه پادشاهان □ بیت دو جمله دارد. (الگوی جمله اول: نهاد + مفعول + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + فعل)  
هر قطعه، این خاک، چه افسرها: ترکیب وصفی / سر قطعه: ترکیب اضافی

فلمرو ادبی خاک □ (مما) از □ وطن / افسر □ (مما) از □ انسان صاحب منصب □ رفتن افسرها □ (مما) از □ کشته شدن افراد بزرگ □ بر، سر، هر: جناس  
ناهمسان

فلمرو فکری فقط خدا می داند که به خاطر عشق و علاقه به وطن، چه بزرگان و افراد ارزشمندی جان خود را فدا کردند.

(مفهوم: توصیف جانبازی بسیاری از بزرگان و گذشتگان در راه وطن)





# دانش های زیبایی درس سوم

قید<sup>۱</sup>

«قید»، کلمه‌ای است که توضیحی بیشتر به فعل یا جمله می‌افزاید و فعل برای اجرا شدن به آن نیاز ندارد از این رو، از ارکان اصلی جمله نیست. به جمله‌های زیر توجه کنید و درباره نقش واژه «دیروز» فکر کنید.

دیروز چهارشنبه بود. / به دیروز می‌اندیشم. / بهترین روز من دیروز بود. / دیروز را فراموش کردم. / دیروز به دیدن من آمدید. / دیروز کتاب شعرم چاپ شد.

در جمله‌های اول تا چهارم «دیروز» نقش اصلی گرفته است و نمی‌توانیم آن را از جمله حذف کنیم اما در جمله پنجم و ششم نقش اصلی نگرفته و قابل حذف است. پس فقط در جمله‌های پنجم و ششم می‌توان نقش قید را برای «دیروز» در نظر گرفت.

دیروز (نهاد) چهارشنبه بود. / به دیروز (متمم) می‌اندیشم. / بهترین روز من دیروز (مسند) بود. / دیروز (مفعول) را فراموش کردم. / دیروز (قید) به دیدن من آمدید. / دیروز (قید) کتاب شعرم چاپ شد.



# دانش های زبانی درس سوم

چند نکته

❶ قید از ارکان فرعی جمله است.

❷ قید در چند جزئی بودن جمله تأثیری ندارد. مانند: «او گریان آمد»: جمله دوجزئی

❸ قید بعد از نقش نمای اضافه (به) نمی آید زیرا پس از نقش نمای اضافه صفت یا مضاف الیه می آید. مثال: کار امروز، مهم بود.  
مضاف الیه

❹ تمام واژه های تنوین دار قید هستند؛ مثال: غالباً، حتماً و ...

❺ قید را نباید با مسند اشتباه گرفت. مثال: او گریان آمد. / او گریان است.

مسند

قید



# دانش های ادبی درس سوم

چهارپاره (دو بیتی نو، دو بیتی پیوسته)

نهان می گشت پشت کوهساران

به مغرب، سینه مالان قرص خورشید

به روی نیزه ها و نیزه داران

فرومی ریخت گردی زعفران رنگ

\*\*\*

به زیر دامن شب در سیاهی

نهان می گشت روی روشن روز

فروغ خرگه خوارزمشاهی

در آن تاریک شب می گشت پنهان



# دانش‌های ادبی درس سوم

قافیه‌های شعر در کجا قرار گرفته؟

«کوهساران، نیزه‌داران» قافیه‌های بند اول و «سیاهی، خوارزمشاهی» قافیه‌های بند دوم است.

قالبی که از بندهای دوبیتی هم وزن تشکیل شده و مصراع‌های دوم در هر بند با هم، هم قافیه‌اند، «چهارپاره»، «دوبیتی نو» یا «دوبیتی پیوسته» نامیده می‌شود.

این قالب از دوره مشروطه به بعد رایج شده است و برای سرودن مطالب طولانی مناسب است.

نمودار قالب چهارپاره:

x	_____	_____
x	_____	_____
	***	
o	_____	_____
o	_____	_____
	***	
Δ	_____	_____
Δ	_____	_____

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

۱ در متن درس، واژه‌هایی را بیابید که معانی زیر را دارا باشند.

اسب (بادپا)      نابودکننده (عافیت‌سوز)      عمیق (بی‌پایاب)

۲ جمله‌های زیر را با هم می‌خوانیم و به نقش‌های مختلف کلمه «امروز» توجه می‌کنیم:

- امروز را غنیمت دان.
- امروز، روز شادی است.
- گنجینهٔ عمر، امروز است.
- برنامهٔ امروز، تأیید شد.
- امروز، به کتابخانهٔ ملی می‌روم.
- نقش: مفعول
- نقش: نهاد
- نقش: مسند
- نقش: مضاف الیه
- نقش: قید



# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

در همهٔ جمله‌های بالا به جز جملهٔ آخر، کلمهٔ «امروز»، نقش‌های اسم را گرفته است. کلمهٔ «امروز» در جملهٔ آخر، هیچ یک از نقش‌های اسم را ندارد. منادا هم نیست. «امروز» در جملهٔ مذکور، «گروه قیدی» است. گروه قیدی، بخشی از جمله است که جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا توضیحی نظیر مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله می‌افزاید. قید می‌تواند از نظر «نوع»، اسم، صفت یا قید باشد.

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

■ در بیت‌های نهم و دهم، قیدها را مشخص کنید.

چه اندیشید آن دم، کس ندانست  
که مرگانش به خون دیده تر شد  
قید

چو آتش در سپاه دشمن افتاد  
ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد  
قید قید

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو ادبی

۱ « دریای خون»، در بیت های هشتم و دوازدهم، استعاره از چیست؟

الف) دریای خون در بیت هشتم «استعاره از» غروب خورشید / دریای خون در بیت دوازدهم «استعاره از» میدان جنگ

۲ ابیات زیر را از نظر کاربرد «تشبیه» و «کنایه» بررسی کنید.

ز رخسارش فرو می ریخت اشکی	بنای زندگی بر آب می دید
در آن سیماب گون امواج لرزان	خیال تازه ای در خواب می دید

بیت اول: بنای زندگی بر آب دیدن «کنایه از» ناپایداری و مرگ

بیت دوم: مانند کردن امواج به سیماب: تشبیه / وجه شبه: رنگ و لرزش «خیال تازه ای در خواب دیدن» «کنایه از» نقشه کشیدن و فکر کردن درباره کاری

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو ادبی

۳ به شعر «در امواج سند» دقت کنید؛ این شعر از چند بند هم وزن و هم آهنگ تشکیل شده است. هر بند، شامل چهار مصراع است؛ به این نوع شعر «چهارپاره» یا «دوبیتی های پیوسته» می گویند؛ چهارپاره، بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می رود و رواج آن، از دوره مشروطه بوده و تاکنون ادامه یافته است.

ملک الشعراى بهار، فریدون مشیری و فریدون توللی سروده‌هایی در این قالب دارند.



# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو ادبی

■ اکنون، نحوه قرار گرفتن قافیه‌ها را در این چهارپاره حمیدی شیرازی به کمک شکل نشان دهید.

+	-----	-----
+	-----	-----
x	-----	-----
x	-----	-----
*	-----	-----
*	-----	-----
#	-----	-----
#	-----	-----

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو فکری

۱ شاعر در بیت زیر، قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟

در آن تاریک شب می گشت پنهان      فروغ خرگه خوارزمشاهی

اشاره به نابودی و انقراض دولت خوارزمشاهیان

۲ حمیدی شیرازی در ابیات زیر، چه کسی را و با چه ویژگی‌هایی وصف می‌کند؟

چه اندیشید آن دم، کس ندانست      که مژگانش به خون دیده تر شد  
چو آتش در سپاه دشمن افتاد      ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

جلال الدین خوارزمشاه / شجاع، متفکر و نترس

# درس سوم

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو فکری

۳ دربارهٔ ارتباط معنایی بیت زیر و متن درس توضیح دهید.

در ره عشق وطن از سرِ جان خاسته ایم      تا در این ره چه کند همّت مردانهٔ ما

رهی معیری

هر دو به وطن دوستی و فداکاری برای وطن تا پای جان اشاره دارند.

۴ شاعر در بیت زیر، چه صحنه‌ای از نبرد را وصف می‌کند؟

ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت      دو چندان می شکفت و برگ می کرد

توصیف شجاعت و جنگاوری جلال‌الدین در مقابل سپاه بسیار زیاد مغولان





# درس سوم

## گنج حکمت چو سرو باش

حکیمی را پرسیدند: «چندین درخت نامور که خدای عزّ و جلّ آفریده است و برومند هیچ یک را آزاد نخوانده‌اند؛ مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. در این چه حکمت است؟»

**قلمرو زبانی** حکیم: دانا، فرزانه، درستکار، راست گفتار / نامور: نامی، مشهور، معروف / عزّ و جلّ: عزیز است و بزرگوار / برومند: بارآور، میوه‌دار / حکمت: فرزاندگی، دلیل و سبب، مصلحت □ نوع «را» در «حکیمی را پرسیدند»: حرف اضافه ♦ هیچ یک را آزاد نخوانده‌اند: الگوی جمله: نهاد + مفعول + مسند + فعل

**قلمرو ادبی** «سرو، درخت، ثمره» و «سرو، آزاد»: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** از حکیمی پرسیدند که از بین این همه درخت معروف و قوی که خداوند بزرگ و بلندمرتبه آفریده است، هیچ کدام را آزاد نگفته‌اند به جز درخت سرو که آن هم ثمره و میوه‌ای ندارد. در این [نامگذاری] چه دلیل و مصلحتی است؟ (مفهوم: پرس و جو برای نامگذاری درخت سرو با صفت آزاد)

# درس سوم

## گنج حکمت چو سرو باش

گفت: «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.»

**قلمرو ربانی** ثمره: نتیجه، میوه، بار □ نوع «را» در جمله «هر درختی را ثمره معین است»: فک اضافه (ثمره هر درختی) ♦ نوع «را» در جمله

«سرو را هیچ از این نیست.»: حرف اضافه ♦ این است صفت آزادگان: الگوی جمله: نهاد + مسند + فعل

**قلمرو ادبی** «درخت، ثمره، پژمرده» و «سرو، آزادگان»: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** گفت: «برای هر درختی میوه و نتیجه‌ای معین وجود دارد که در زمانی معلوم به وجود آن ثمره، تازه و شاداب می‌شود و گاهی به خاطر

نبودن آن ثمره و صفت، پژمرده و غمگین می‌شود و هیچ کدام از این ویژگی‌ها برای سرو وجود ندارد و همیشه خوش و شاداب است و این [شادابی و

خوشی] صفت آزادگان است. (مفهوم: تهی‌دستی نشانه آزادی است. / بی‌تعلقی)

# درس سوم

## گنج حکمت چو سرو باش

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواد گذشت در بغداد

فلمرو ربانی دجله: نهر، رود بیت سه جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + فعل / الگوی جمله دوم: نهاد + متمم + فعل (دل منه به ...))  
دل منه: فعل کنایی / بخواد گذشت: فعل

فلمرو ادبی دل نهادن: کنایه از علاقه مندی زیاد دجله، بغداد: مراعات نظیر تکرار صامت «د»: واج آرایی

فلمرو فکری به آن چیزی که می‌گذرد [و ناپایدار است]، دل بسته نباش زیرا رود دجله پس از مرگ خلیفه هم در بغداد جاری خواهد بود و رسم روزگار ناپایدار دگرگون نخواهد شد. (مفهوم: فناپذیری / پرهیز از دل بستگی به دنیا / آنچه نباید، دل بستگی را نشاید.)



# درس سوم

## گنج حکمت چو سرو باش

گرت زد دست بر آید، چو نخل باش کریم  
ورت زد دست نیاید، چو سرو باش آزاد

گلستان، سعدی

فلمرو ربانی نخل: درخت خرما / کریم: بخشنده، بامروت، جوانمرد، (جمع: کرما، کرام) / ور: و اگر بیت چهار جمله دارد. (الگوی جمله اول و سوم: نهاد + متمم + فعل / الگوی جمله دوم و چهارم: نهاد + مسند + فعل) \* دست، نخل، دست، سرو: متمم / کریم، آزاد: مسند \* جهش ضمیر: گرت زد دست ← اگر از دست / ورت زد دست ← و اگر از دست \* دستت: ترکیب اضافی

فلمرو ادبی مانند کردن تو به نخل و سرو: تشبیه \* نخل، سرو: مراعات نظیر \* آید، نیاید: تضاد \* سرو = نماد آزادی / نخل = نماد بخشندگی \* هم‌وزنی کلمات به صورت دو به دو: موازنه \* از دست بر آمدن = کلاه از \* توانایی انجام کاری را داشتن

فلمرو فکری اگر از دستت کاری برمی آید [توانایی داری] مانند نخل بخشنده و جوانمرد باش و اگر کاری از دستت بر نمی آید (توانایی نداری) مانند درخت سرو آزاد باش. (مفهوم: تأکید بر بخشندگی و آزادی و جوانمردی)



# واژگان جدید درس سوم

افسر: تاج و کلاه پادشاهان

باره: اسب

برومند: بارآور، میوه‌دار

خرگه: خرگاه، خیمه به ویژه خیمه بزرگ

دریا: در متن درس رود بزرگ مانند دریای نیل

دمار از کسی کشیدن: دمار از کسی برآوردن؛ کنایه از نابود کردن کسی

سیماب‌گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای؛ سیماب: جیوه

گران: سنگین، عظیم



# واژگان جدید درس سوم

قرص خورشید زعفران رنگ - فروغ خرگه خوارزمشاهی - تازی و تازیک - شفق و فلق - عافیت و سلامتی - رقص مرگ - می غلتید

در امواج سند و می چرخید - سیمابگون - اهریمن و شیطان - لشکر خُرد - ترک و تازی - مضامین اجتماعی و سیاسی - دوره مشروطه -

همت مردانه - رهی معیری

چو سرو باش خدای عزوجل - برومند و قوی - حکمت و حکیم - ثمره و حاصل - صفت آزادگان





پایان